

تبیین استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تأکید بر بانکداری اسلامی

حسین جدی آتشگاه

چکیده

حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از فرآیندها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتی است که با استفاده از سازوکارهای درون و برون‌سازمانی، نحوه هدایت، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حاکمیت شرکتی یکی از مسائل حائز اهمیت در نهادهای پولی و مالی است؛ به‌نحوی که ضعف و توجه ناکافی به حاکمیت شرکتی صحیح در بانک‌ها به عنوان یکی از علل اساسی بحران مالی در سطح ملی و بین‌المللی شناخته می‌شود. گسترده شدن حجم فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی، افزایش ذینفعان و گستردگی میزان اطلاعات نامتقارن، نشانگر لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور در عصر حاضر می‌باشد؛ بنابراین، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در قبال ترتیب سازوکاری که از کلیه حقوق ذینفعان این حوزه دفاع نماید؛ بسیار سنگین و امری مهم و اساسی است. در این میان بانکداری اسلامی که چندین دهه از عمر آن نمی‌گذرد، دارای ظرفیت بالایی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی است و این مقوله به‌خصوص برای نظام بانکداری کشور دارای اهمیتی دوچندان می‌باشد. لذا بررسی این موضوع مدنظر پژوهشگر بوده تا با شناختی همه‌جانبه در این حوزه و اصول و قواعد آن؛ پیاده‌سازی آن در نظام بانکی کشور را تبیین نماید. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق این است که اصول حاکمیت شرکتی چیست و روش‌های پیاده‌سازی آن در نظام بانکداری اسلامی چگونه است؟ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که محرک‌های حاکمیت شرکتی، اصولی همچون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری، الزام افراد به رعایت اخلاق فردی و شرایط اخلاق مدارانه محیط اجتماعی-سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند بستر ساز مناسبی برای تحقق حاکمیت شرکتی در نظام بانکی باشد و راهکارهای پیاده‌سازی این محرک‌ها نیز براساس نظر اکثریت مطالعات صورت گرفته در این حوزه شامل نظارت، مدیریت ریسک، اعمال شفافیت و برنامه ریزی دقیق و هدفمند است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، ضرورت تبیین، نظام بانکی، بانکداری اسلامی، ایران

۱- مقدمه

موضوع حاکمیت شرکتی، به شیوه‌ای که امروزه مطرح شده است، حاصل مطالعات و بررسی‌هایی است که در کشورهای مختلف دنیا انجام شده و سابقه مشخص آن به دهه ۱۹۹۰ میلادی بر می‌گردد (سیف، ۱۳۹۳). بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد، هیچ تعریف مورد توافق در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. براساس کشوری که در نظر می‌گیریم، تفاوت‌های چشمگیری در تعریف این موضوع وجود دارد. به طور کلی تعاریف حاکمیت شرکتی در متون علمی دارای ویژگی‌های مشترک و معینی هستند که یکی از آنها پاسخگویی^۱ و البته تقدم شفافیت بر آن است. تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف قرار گرفته که دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف می‌باشند. تعاریف محدود حاکمیت شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت می‌باشند. این تعاریف به طور اساسی برای مقایسه بین کشوری مناسب هستند و قوانین هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در سیستم حاکمیت شرکتی دارد. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود و تعاریف گسترده‌تر حاکمیت شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیع‌تری نسبت به سهامداران و دیگر ذینفعان تأکید دارند و نشان می‌دهند که شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط‌زیست) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی در حقیقت موانع و اهرم‌های تعادل‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکت‌ها است که تضمین می‌کند تا آن‌ها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذینفعان انجام دهند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل کنند. همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذینفعان برآورده کرد، چون شرکت‌هایی که در برابر تمام ذینفعان مسئول می‌باشند، در درازمدت موفق‌تر و با رونق‌تر هستند. شرکت‌ها می‌توانند ارزش آفرینی خود را در درازمدت افزایش دهند و این کار را با انجام مسئولیت خود در برابر تمام ذینفعان و با بهینه‌سازی سیستم حاکمیت خود می‌کنند، این دیدگاه مورد تأیید اکثر متون علمی است (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

همچنین، حاکمیت شرکتی اصطلاحی است که از عمر آن بیش از سه دهه نمی‌گذرد و اولین نشانه‌های آن در کشورهای آمریکا، کانادا و انگلستان بروز نموده است. مطالعات نشان می‌دهد که اولین و قدیمی‌ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین *Gubernare* به معنای هدایت کردن گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل (سولومون، ۲۰۱۰). علاوه بر این چند چارچوب نظری متفاوت برای توضیح و تحلیل حاکمیت شرکتی مطرح شده است. هر یک از آن‌ها با استفاده از واژه‌های مختلف و به صورتی متفاوت به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند که ناشی از زمینه علمی خاصی است که به موضوع حاکمیت شرکتی می‌نگرند. به عنوان مثال تئوری نمایندگی ناشی از زمینه مالی و اقتصادی است، در صورتی که تئوری هزینه معاملات^۲ ناشی از اقتصاد و تئوری سازمانی است و تئوری ذینفعان ناشی از یک دیدگاه اجتماعی در مورد حاکمیت شرکتی می‌باشد. گرچه تفاوت‌های چشمگیری بین چارچوب‌های نظری مختلف وجود دارد اما دارای وجوه مشترک مشخصی هستند. همچنین باید دانست که زمینه‌های فرهنگی و قانونی نیز بر حاکمیت شرکتی تأثیر بسزایی دارند (والکر ریویو، ۲۰۰۹).

کادبری^۳ (۱۹۹۲)، بیان می‌کند که حاکمیت شرکتی سیستمی است که با آن شرکت‌ها هدایت و کنترل می‌شوند. IFAC^۴ (۲۰۰۴)، حاکمیت شرکتی تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های اعمال شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین‌کننده دستیابی به اهداف، کنترل ریسک‌ها به طور مناسب و مصرف منابع، به طور مسئولانه می‌باشد. پارکینسون^۵ (۱۹۹۴)، بیان می‌کند که حاکمیت شرکتی عبارت است از فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین

^۱ : Accountability

^۲ : Transaction cost theory

^۳ : Kadbery

^۴ : International Federation of Accountants

^۵ : Parkinson

این که مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌کند یا نه. مگینسون^۱ (۱۹۹۴)، سامانه حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روشهایی تعریف کرد که تعیین می‌کنند شرکت‌ها چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند. تری گر^۲ (۱۹۸۴)، حاکمیت شرکتی مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت بنگاه اقتصادی، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آن‌ها به تمام ذینفعان شرکت می‌باشند (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ (OECD) حاکمیت شرکتی را مجموعه روابطی مابین هیئت مدیره، سهامداران و دیگر ذینفعان یک شرکت می‌داند که با تعیین ساختار، اهداف، ابزارهای دستیابی به این اهداف و نیز نظارت بر فعالیت‌ها، مشوقی برای هیئت مدیره و مدیران در پیگیری مسائلی است که منافع شرکت و سهامداران در آن قرار دارد و نیز تشویقی است برای آنکه از منابع به شیوه کاراتری استفاده نمایند. این سازمان اصولی را برای حاکمیت شرکتی ارائه نموده است که این اصول در بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ مورد استفاده قرار گرفته است. اصول مذکور عبارت‌اند از:

۱. تأمین مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی مؤثر: چارچوب حاکمیت شرکتی باید توسعه بازارهای شفاف و کارآمد را تسهیل نموده، با حاکمیت قانون سازگار باشد و تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها را بین مقامات مسئول نظارتی، تنظیمی و اجرایی به روشنی تشریح نماید.
 ۲. توجه به حقوق سهامداران: چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی از حقوق سهامداران حفاظت و مسیر تحقق آن را تسهیل نماید.
 ۳. برخورد یکسان با سهامداران: در چارچوب سیستم حاکمیت شرکتی حقوق کلیه سهامداران اعم از اقلیت و اکثریت، داخلی و خارجی یکسان بوده و ضرورت دارد که فرصت‌های برابری برای تأمین حقوق و جبران خطاهایشان پیش‌بینی و برقرار شود.
 ۴. توجه به نقش کلیه ذینفعان: چارچوب حاکمیت شرکتی تأکید بر این موضوع دارد که حقوق ذینفعان که براساس قوانین یا مبنای دیگر برقرار شده است به رسمیت شناخته شده و در جهت تقویت افزایش ثروت و ثبات شرکت‌ها تلاش نماید.
 ۵. افشا و شفافیت: چارچوب این سیستم تأکید دارد که شرکت‌ها می‌بایست اطلاعات مناسب خود را دقیق و به موقع در رابطه با تمام موضوعات مرتبط از جمله عملکرد کلی شرکت، وضعیت مالی، ساختار مالکیت و حاکمیت و نقش و وظیفه مدیران را تشریح نماید.
 ۶. مسئولیت‌های هیئت مدیره: در سیستم حاکمیت شرکتی ضرورت دارد برنامه‌ها و رهنمودهای استراتژیک جهت نظارت مؤثر هیات مدیره بر مدیران و نحوه پاسخگویی هیئت مدیره به شرکت و سهامداران مشخص شود. بطور کلی می‌توان بیان داشت که حاکمیت شرکتی سازوکاری است که تلاش دارد از حقوق و منافع ذینفعان دفاع کرده و امکان تضییع حقوق افراد را به حداقل ممکن برساند (OECD, 2004).
- لازم به ذکر است که هر یک از ابعاد ذکر شده در فوق می‌تواند بر کلیت چارچوب حاکمیت شرکتی اثر داشته باشد و آن را تقویت و یا تضعیف کند (قائمی و شهریاری، ۱۳۸۸).
- همچنین حاکمیت شرکتی در صورت تأمین شرایط و مؤلفه‌ها و اصول و ضوابط آن می‌تواند به نوعی باعث ثبات سیستم بانکی گردد که این ثبات به مرور در صورت مهیا بودن شرایط باعث بهبود عملکرد نظام بانکی گردد. یک سیستم بانکی با ثبات نیز، واسطه مالی کارا ایجاد می‌کند و آن را قادر می‌سازد که در تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری‌ها موفق‌تر عمل نماید و در نتیجه می‌تواند باعث بهبود رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری شود. وجود سیستم بانکی با ثبات باعث افزایش کارایی عملکرد سیستم بانکی و بهبود توزیع منابع در اقتصاد گردد (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این بررسی

^۱ : Megginson

^۲ : Tricker

^۳ : Organisation for Economic Co-operation and Development

سیر تاریخی نظام بانکی ایران نشان می‌دهد که چالش‌هایی از جمله پایین بودن درجه شفافیت سیستم بانکی، وقوع تخلفات و مواجهه با فساد مالی، تحمیل ریسک‌های فزاینده به اقتصاد ملی، تضییع حقوق سهامداران خرد و عدم تأمین منافع واقعی سپرده‌گذاران و وجود شبهاتی در میان برخی از نخبگان در خصوص انطباق برخی از عملیات بانکی معیارهای شرعی و غیره بخشی از مجموعه ناکارآمدی‌های نظام بانکداری بدون ربای ایران است. البته لازم به ذکر است که چالش‌های برشمرده فوق، مختص نظام بانکی ایران نبوده و بسیاری از نظام‌های بانکی موفق کنونی توانسته‌اند با بهره‌گیری از سیاست‌های اصلاحی بهینه از جمله استقرار اصول حاکمیت شرکتی درجه کارایی خویش را به تدریج بالا برده و در عمل زمینه تأمین مالی بهینه و به تبع آن رشد مطلوب و مستمر اقتصادی را فراهم آورند (فرودسی، ۱۳۹۳).

بنابراین از آنجا که سیستم بانکی مستقر در بانکداری ایران، سیستم و بانکداری غیر ربوی است که خود زمینه‌های مناسبی را برای حاکمیت شرکتی می‌تواند قائل گردد که لزوم بررسی همه‌جانبه و سیستماتیک آن را می‌طلبد. در این نوع نظام بانکداری تأمین و حمایت عادلانه از منافع تمام ذینفعان الزامی است. کل اقتصاد و جامعه از عملکرد نظام بانکی تأثیر می‌پذیرد و عملکرد نامطلوب نظام مالی می‌تواند تأثیر منفی بر روی تمامی بخش‌های اقتصادی و جامعه داشته باشد؛ بنابراین هدف تأمین منافع تمام ذینفعان سبب می‌شود که به نقش حاکمیت شرکتی توجه ویژه‌ای شود. مهم‌ترین مسئله در ایفای این نقش، ایجاد تعادل بین ذینفعان مختلف است. گرچه در یک بانک متعارف، تعارض اولیه منافع معمولاً بین سهامداران و مدیریت در نظر گرفته می‌شود، ولی در یک بانک اسلامی و سیستم تأثیرگذار بر آن، بعد دیگری نیز وارد می‌شود که همان بحث سپرده‌گذاران است و در این میان با وجود رشد سریع بانکداری اسلامی و افزایش حضور در مجامع ملی و بین‌المللی، مطالعات محدودی در حوزه حاکمیت شرکتی در این بانک‌ها صورت پذیرفته است؛ بنابراین در این مطالعه نیز با برداشتی از مطالعات تحلیلگران بانکداری اسلامی درصددیم تا شناختی هر چند مختصر ولی مفید در حوزه حاکمیت شرکتی و بانکداری اسلامی داشته باشیم. لذا با عنایت به موارد فوق مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف این مطالعه پاسخگویی به این سؤال است که اصول و قواعد استقرار حاکمیت شرکتی چیست و راهکارها و روش‌های پیاده‌سازی آن در نظام بانکداری اسلامی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

اثر علمی بر شالوده آثار دیگران بنا نهاده می‌شود و این مهم لزوم توجه به مطالعات انجام یافته در حوزه موضوع مورد مطالعه را بیان می‌دارد. لذا در ذیل به بیان مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته در این حوزه پرداخته می‌شود:

اصلانی (۱۳۸۵) پژوهشی را با عنوان "حاکمیت شرکتی و روش‌های تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" انجام داد. در این پژوهش، چگونگی کنترل، اداره و نحوه تأمین مالی شرکت‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد بدهی با میانگین نسبت ۰/۶ مهم‌ترین شیوه تأمین مالی در شرکت‌های ایرانی می‌باشد و انتشار سهام و سود انباشته به ترتیب با میانگین‌های ۰/۳ و ۰/۱ به عنوان دیگر شیوه‌های مورد استفاده جهت تأمین مالی در نظر گرفته می‌شود. میزان تمرکز مالکیت (سهامدار عمده) در شرکت‌های ایرانی با میانگین ۵۰/۱ درمقایسه با دیگر کشورها بسیار بالا می‌باشد. تمرکز مالکیت در شرکت‌های با اندازه پایین بیشتر است. پور زمانی (۱۳۸۵)، در پژوهشی به عنوان "رابطه حاکمیت شرکتی و پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها" به بررسی تأثیر مالکیت متمرکز و ویژگی‌های هیأت مدیره بر احتمال وقوع بحران مالی پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان دادند که نسبت‌های مالی (نسبت سودآوری و نسبت نقدینگی) می‌توانند در متمایز ساختن شرکت موفق و شرکت ورشکسته مفید واقع شوند. رجبی (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر هزینه سرمایه شرکت" انجام داد که در آن تأثیر برخی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مانند ساختار هیأت مدیره، ساختار مالکیت و کیفیت اطلاعات مالی بر هزینه سرمایه شرکت مورد بررسی قرار گرفت. آزمون‌ها و تحلیل‌های مرتبط با فرضیه‌ها مؤید این مطلب بود که در جامعه مورد مطالعه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و میزان سرمایه شرکت هیچ‌گونه رابطه معنادار وجود ندارد. یزدانیان (۱۳۸۶) در مقاله خود تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق از اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز به عنوان شاخصی برای تعیین

مدیریت سود استفاده گردیده است. نتایج بیانگر این مطلب است که وجود مدیران غیرموظف، عدم وجود مدیرعامل به عنوان رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره و وجود حسابرسان داخلی روابط معناداری با مدیریت سود ندارند. مریم فعلی (۱۳۸۷) در پایان نامه خود تحت عنوان "بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت"، هدف انجام پژوهش را بررسی نقش سهامداران نهادی و درصد مدیران غیرموظف بر ارزش شرکت در اطلاعات چهارساله ۹۷ شرکت بیان کرد. نتایج نشان داد با توجه به آن که میزان مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار زیبا باشد، رابطه معناداری بین سهامداران نهادی و ارزش شرکت وجود ندارد. همچنین با توجه به این که در کلیه شرکت‌های نمونه حداقل یک عضو غیرموظف در هیأت مدیره وجود دارد رابطه معناداری بین وجود مدیران غیرموظف و ارزش شرکت وجود دارد. تقوی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها در دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۰ پرداختند. در مطالعه آن‌ها ساختار مالکیت بانک‌ها به عنوان متغیر مستقل از جنبه مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی و مالکیت خارجی بررسی شده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگ‌تری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی دارد، اما مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر نسبت‌های سودآوری بانک بهتر عمل می‌نماید. آندرس و اللادو (۲۰۰۸)، در مطالعه خود نمونه از بانک‌های تجاری موجود در کشورهای توسعه یافته را برای آزمون نقش هیأت رئیسه در بهبود عملکرد سیستم بانکی در نظر گرفته‌اند. یافته‌های این مقاله حاکی از وجود رابطه U شکل بین عملکرد سیستم بانکی و قدرت هیأت رئیسه و بین مدیران اجرایی و عملکرد بانکی دارد. نتایج نشان می‌دهد که ترکیب هیأت رئیسه و اندازه آن بستگی به توانایی هیأت رئیسه در کنترل مدیران دارد. ارمینا و ماریا (۲۰۱۰) در مقاله خود به بررسی رابطه بین عملکرد بانکی و حاکمیت شرکتی در بانک‌های اروپایی و آمریکایی و استرالیا و ژاپن پرداخته‌اند و نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه منفی قابل چشم پوشی بین عملکرد بانکی و حاکمیت شرکتی برقرار است، اما بین عملکرد بانکی و اهرم مالی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و قوی وجود دارد. ال‌مینسیر و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله خود اثر حاکمیت شرکتی را بر عملکرد بانک‌های اردن بررسی کردند. در این مقاله شاخص اندازه هیأت مدیره، ترکیب هیأت مدیره و مالکیت خارجی به عنوان شاخص حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده است. نتایج حاکی از آن است که رابطه مثبت بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد سیستم بانکی اردن وجود دارد. اندازه هیأت مدیره و جدایی مالکیت از مدیریت رابطه منفی با عملکرد سیستم بانکی این کشور دارد.

نتایج بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اکثر مطالعات صورت گرفته بر نقش مستقیم و معنی دار متغیرهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها و شرکت‌ها تأکید دارند.

روش تحقیق

دستیابی به اهداف علمی یا شناخت علمی میسر نخواهد بود، مگر زمانی که با روش‌شناسی درست صورت پذیرد. روش تحقیق در این پژوهش روش تحلیل محتوای توصیفی از نوع کیفی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات در آن از نوع کتابخانه‌ای با شیوه تحلیلی - توصیفی می‌باشد.

مبانی نظری

بررسی واژه حاکمیت به عنوان یک مفهوم کلی می‌تواند به تعیین مختصات و جایگاه هیأت مدیره در شرکت، چگونگی تعامل و ارتباط آن‌ها با دیگر عناصر کلیدی حاکمیت (همچون سهامداران، هیأت مدیره، ذینفعان و غیره) و همچنین تشریح اهمیت آن‌ها در نظریات مطرح حاکمیت منجر گردد. از این رو به منظور کسب اطلاعاتی کلی از نقش هیأت مدیره در فعالیت‌ها و مناسبات شرکت، موقعیت آن‌ها در تدوین رسالت و چشم‌انداز شرکت، تسهیل فرایند نیل به اهداف و همچنین درک نقش کانونی هیأت مدیره به عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت در سیاست‌گذاری‌های کلان و استراتژیک، توجه به مبحث حاکمیت در شرکت‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ضروری می‌باشد (اندرسون، ۲۰۰۷). مهم‌ترین نظریه‌ای که به برقراری حاکمیت شرکتی در بازارهای مالی بالأخص بانک‌ها تأکید دارد، تئوری نمایندگی می‌باشد. براساس این تئوری رابطه نمایندگی قرارداد فی مابین سهامداران و مدیریت بنگاه است که براساس تئوری نمایندگی هیأت رئیسه، مدیریت سهامداران را برای کنترل مدیریت نادیده

می‌گیرند؛ بنابراین به خاطر جدا شدن مالکیت از مدیریت مخاطره اخلاقی و انتخاب بد ممکن است منافع خود را مقابل منافع سهامداران حداکثر سازند؛ بنابراین مکانیسمی باید باشد که منافع سهامداران را در نظر بگیرد. برقراری حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند تضاد منافع را از بین ببرد (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۶) و این مهم نیازمند تدوین ساختار ویژه‌ای می‌باشد. ساختار حاکمیت شرکتی را می‌توان روند سلسله مراتبی از وظایف دانست. به بیانی؛ ساختار حاکمیت شرکتی را می‌توان به دو نوع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی طبقه‌بندی نمود که هر یک دارای سازوکارهای خاص خود می‌باشند. حاکمیت درون‌سازمانی، سیستمی است که در آن شرکت‌های فهرست بندی شده یک کشور تحت مالکیت تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. سازوکارهای حاکمیت درون‌سازمانی (محاطی) عبارت است از: هیات مدیره، مدیران اجرایی، کنترل داخلی و اخلاق سازمانی. حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی، به سیستم‌های تأمین مالی و حاکمیت شرکتی اشاره دارد که در آن شرکت‌های بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون‌سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. سازوکارهای حاکمیت برون‌سازمانی (محیطی) شامل موارد زیر است: نظارت قانونی، رژیم حقوقی، کارایی بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، نقش سرمایه‌گذاران نهادی، نظارت سهامداران اقلیت، الزامی کردن حسابرسی مستقل و فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی. هم‌چنین در دنیای امروز تغییر نیازهای روزافزون مشتریان و مردم، خواسته‌های بعضاً متفاوت ذینفعان، پیچیدگی قوانین و مقررات و تکنولوژی انجام کار و غیره ضرورت توجه به ساختار حاکمیت شرکتی را فراهم نموده تا از طریق آن اهداف شرکت‌ها تنظیم یافته و روش‌های نیل به آن اهداف و نحوه نظارت بر عملکرد آن‌ها تعیین شود. لذا هدف از اعمال حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از وجود چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذینفعان مختلف شرکت را فراهم می‌آورد (حسین نوازی، ۱۳۸۷). اکنون با توجه به تأکیدهای شدید بر حاکمیت شرکتی، مدیران بیشتر از همیشه بایستی در جهت تعالی سازمان و حفظ منافع سهامداران، سرمایه‌گذاران تلاش نمایند چرا که در صورت عملکرد ضعیف مدیریت ممکن است پاداش مدیر کاهش یافته و یا حتی موجبات اخراج مدیر را در بر داشته باشد. در این میان از یک طرف سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران جهت حفاظت از منافع خود خواهان حاکمیت شرکتی قوی خواهند بود. از طرف دیگر با حاکم بودن حاکمیت شرکتی قوی و در صورت ارائه اظهارنظر غیرمقبول احتمالاً مدیریت درصدد گزینش می‌باشد که این عمل موجب تحت الشعاع قرار گرفتن حاکمیت شرکتی از یک طرف و استقلال و اخلاق حرفه‌ای، از طرف دیگر خواهد شد (امیر آزاد و همکاران، ۱۳۹۳). لذا با عنایت به موارد مطروحه فوق لزوم تبیین حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری ضرورتاً احساس می‌گردد که این مهم در این پژوهش با توجه ویژه به بانکداری اسلامی به عنوان زیر نهادی اساسی در بعد بانکداری کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه‌ها و رویکردهای تأثیرگذار بر حاکمیت شرکتی و اهداف آن

تغییرات و تحولات بازار سرمایه موجب تکامل تئوری‌های حاکمیت شرکتی شده است. قبل از توسعه بازار شرکت‌ها، بر اموال افراد ثروتمند تکیه داشتند که معمولاً خویشاوندان کارآفرین بودند. شرکت‌ها به همان افرادی تعلق داشتند که آن‌ها را اداره می‌کردند. برای رشد و توسعه اقتصادی سرمایه‌های اندک کافی نبود و تجمع آن‌ها تأسیس شرکت‌های بزرگ را به همراه داشت (حساس یگانه، ۱۳۸۴) که این مهم لزوم توجه به حاکمیت شرکتی را در پی داشت و به تبع آن‌ها باعث توسعه و گسترش تئوری‌ها و رویکردهای مختلفی در این حوزه گردید که در این بخش به صورت خلاصه به چند مورد از آن‌ها پرداخته می‌شود:

تئوری هزینه معاملات

تئوری هزینه معاملات براساس این واقعیت است که شرکت‌ها آنقدر بزرگ‌شده‌اند که در تخصیص منابع جانشین بازار می‌شوند. در واقع شرکت‌ها آنقدر بزرگ و پیچیده اند که نوسانات قیمت در بازار تولید را هدایت کرده و بازار معاملات را متعادل می‌کنند. در درون شرکت‌ها برخی از معاملات حذف می‌شوند و مدیریت را هماهنگ می‌کند.

تئوری ذینفعان

اساس تئوری ذینفعان این است که شرکت‌ها آنقدر بزرگ شده‌اند و تأثیر آن‌ها بر جامعه آن‌چنان عمیق است که باید به جز سهامداران به بخش‌های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. برای تئوری ذینفعان چند روش تعریف براساس رشته‌های مختلف وجود دارد وجه تشابه تمام آن‌ها تأیید دخالت در یک رابطه مبادله‌ای است. نه تنها ذینفعان تحت تأثیر شرکت‌ها هستند بلکه آن‌ها نیز بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند آن‌ها در شرکت‌ها به جای سهامداران منافع هستند. در واقع هر ذی نفع بخشی از سلسله قراردادهای صریح و ضمنی را نشان می‌دهد که یک شرکت را تشکیل می‌دهد اما بسیاری از نویسندگان ذینفعان را کسانی می‌دانند که در شرکت نفعی قانونی به گسترده‌ترین مفهوم دارند.

تئوری نمایندگی

آغاز مالکیت شرکتی از طریق مالکیت سهام تأثیر چشم‌گیری بر روش کنترل شرکت‌ها داشت و بدین ترتیب مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. جدایی مالکیت از مدیریت منجر به یک مشکل سازمانی مشهور به نام مشکل نمایندگی شد (امیرآزاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۰).

هم‌چنین یکی از دلایل مطرح شدن حاکمیت شرکتی، ازدیاد جرایم و بحرآن‌های مالی در سطح جهانی می‌باشد. لذا هدف از اعمال حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از وجود چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذینفعان مختلف را فراهم آورد. اهداف حاکمیت شرکتی به صورت زیر قابل‌ارایه می‌باشد:

- ❖ افزایش ارزش سهامداران؛
- ❖ محافظت از منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان شامل مشتریان، کارکنان و عموم جامعه بطور کل؛
- ❖ اطمینان از شفافیت و یکپارچگی در تبادل اطلاعات و قابلیت دسترسی به اطلاعات کامل، صحیح و شفاف برای کلیه ذینفعان؛

❖ اطمینان از پاسخگویی راجع به عملکرد و دستیابی به امتیازاتی در کلیه سطوح؛

❖ هدایت شرکت با بالاترین سطح استاندارد به منظور رقابت با دیگران (جلالی، ۱۳۸۷).

به عبارتی، هدف اصلی قانون حاکمیت شرکتی «شفاف‌سازی و پاسخگویی» در بازار سرمایه می‌باشد؛ لذا چنانچه در کشوری به موضوع شفافیت و پاسخگویی توجهی نشود و یا اساساً موضوع حکمرانی خوب مطرح نباشد؛ آئین‌نامه حاکمیتی شرکت‌ها کارساز نخواهد بود چون سازوکار حاکمیت شرکتی برخورد جدی با تخلفات شرکت‌ها و مدیران آن‌ها می‌باشد. لذا با عنایت به این مفاهیم می‌توان بیان داشت که نظام حاکمیت شرکتی یک ابزار نظارتی است که در بنگاه‌های اقتصادی، خصوصاً مؤسسات مالی، به منظور نظارت بر فعالیت‌ها و در جهت دستیابی به اهدافی نظیر شفافیت، پاسخگویی، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان بکار می‌رود و از آنجایی که امروزه بانک‌ها نقش اصلی تأمین مالی کشورها علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه هم چون ایران را بر عهده دارند و با توجه به ارتباط سیستم بانکی و کل بخش‌های اقتصاد، برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها دارای اهمیتی دوچندان است. البته برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها متفاوت از برقراری آن در سایر نهادهای مالی می‌باشد. پیچیدگی فعالیت بانک‌ها، عدم تقارن اطلاعات را افزایش می‌دهد و قدرت نظارت سهامداران را بر مدیریت بانک کاهش می‌دهد؛ بنابراین استقرار اصول حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ضروری به نظر می‌رسد و از آنجا که یک تضاد منافع درون بانک بین سپرده‌گذاران و سهامداران وجود دارد. مع‌الهدا به نظر می‌رسد اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به بهبود عملکرد بانک کمک نماید، اما برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی خوب بدون برقراری مکانیسم کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیات مدیره مستقل و سهامداران نیز امکان‌پذیر نیست (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲).

برتری حاکمیت شرکتی در عصر حاضر و اصول کلی آن

با نگاهی به شرایط امروزی جهان در می‌یابیم که گسترش برخی از عوامل، نشانگر لزوم برقراری و برتری قابل توجه حاکمیت شرکتی در عصر حاضر می‌باشد. از جمله این موارد می‌توان به گسترده شدن حجم فعالیت مؤسسات مالی، تعداد ذینفعان و همچنین نامتقارن بودن اطلاعات اشاره داشت. امروزه ازدیاد حجم فعالیت مؤسسات ملی با روی کار آمدن

ابزارهای مالی جدید، گستردگی ارتباطات و دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش میزان سرمایه‌های انباشت شده قابل توجه بوده و همین امر بر پیچیدگی فعالیت‌ها افزوده و امکان تخلف و تعدی از مسیر اهداف مؤسسات را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش تعداد ذینفعان در یک فعالیت اقتصادی امکان این نوع تعدی‌ها را بیش از پیش محتمل می‌گرداند. با گسترش تعداد ذینفعان در یک موسسه مالی و بالتبع آن افزایش روابط بین افراد به شکل شبکه تار عنکبوتی مسلماً تأمین منابع کلیه ذینفعان دشوارتر می‌شود و از آنجا که نظام بانکی؛ اثرگذاری فراوانی در تمامی بخش‌های اقتصادی دارد، لذا وجود تعداد زیادی از ذینفعان در این نظام دور از انتظار نخواهد بود. طبق تعریف کمیته بال در نظارت بانکداری^۱ عنوان ذینفعان بانکی شامل کارمندان، مشتریان، عرضه کنندگان وجوه و افراد جامعه می‌شود. همچنین به دلیل نقش ویژه‌ای که بانک‌ها در اقتصاد و نظام‌های مالی بر عهده دارند، ناظران و خود دولت‌ها نیز علاوه بر موارد فوق جزو ذینفعان در نظام بانکی محسوب می‌شود (بازل، ۱۹۹۹).

همچنین ضعف حاکمیت شرکتی در یک بانک می‌تواند در اثر اصل مکمل بودن استراتژیک به ورشکستگی بانک منجر شود. طبق این اصل، اگر در یک بانک، فرد سپرده پیش‌بینی نماید که دیگر سپرده‌گذاران قصد باز پس گیری سپرده‌های خود را دارند و بدهکاران نیز قصد بازپرداخت بدهی‌های خود را به بانک ندارند، احتمال ورشکستگی آن بانک در نظر این فرد بالا رفته و همین امر ایجاد انگیزه ای قوی جهت بازپس گیری سپرده از آن بانک را برای وی فراهم می‌آورد. فراگیر شدن این امر اقدام در بین تعداد زیادی از سپرده‌گذاران، می‌تواند بانک‌ها را وارد دور باطلی کند و آن اینکه گسترش بیشتر نااطمینانی‌ها منجر به افزایش انگیزه افراد برای خارج کردن سپرده‌هایشان از بانک شده و همین خروج سپرده‌ها خود دوباره باعث تشدید و وخامت بیشتر فضای نااطمینانی شود؛ بنابراین مشاهده می‌شود، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در قبال ترتیب سازوکاری که از کلیه حقوق ذینفعان دفاع نماید، بسیار سنگین است. (ندری و همکاران، ۱۳۹۲). به طور کلی، حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از ترتیبات سازمانی برای اعمال حقوق ذینفعان خارجی و آنچه که در حقوق تجارت از آن به Stakeholders یاد می‌شود، است که در مقابل آن سهام داران یا ذینفعان داخلی Shareolders قرار دارند. در مجموع، چهارچوب حاکمیت شرکتی حول سه محور واحد‌های سازمانی، روش‌های نظارتی و ذینفعان است. از نظر حقوقی نیز، قدر مسلم آن است که عناصر شش گانه زیر از اصول پایه و تجزیه ناپذیر و برتری حاکمیت شرکتی به شمار می‌آید:

۱. برخورد منصفانه و یکسان با سهامداران که همان اصل انصاف است؛
۲. توجه به حقوق سهامداران و کارکردهای حاکمیتی کنترلی که همان بحث حاکمیت است؛
۳. توجه به نقش و حقوق کلیه ذینفعان خارجی که شامل اشخاص ثالث، محیط‌زیست، مصرف کنندگان و از جهتی کارکنان می‌شود؛
۴. شفافیت و افشا که شامل گزارشگری مالی و حسابرسی می‌شود؛
۵. نقش و مسئولیت هئیت مدیره شرکت و نیز اهمیت مدیران غیراجرایی - غیرموظف؛
۶. و ایجاد جایگاهی مناسب برای اعمال حاکمیت شرکتی، به عبارت دیگر، ایجاد فضایی برای پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در یک مجموعه تجاری مالی.

در این بین، اصول حاکمیت شرکتی در ایران امروز توانسته تا حدودی جایگاه خود را باز کند. به خصوص استفاده از اصولی مانند شفافیت و اطلاع‌رسانی که برای پیشگیری از بی‌نظمی‌های مالی لازم است، در جای جای قوانین ایران بیش از پیش به چشم می‌خورد. در واقع، اصل شفافیت برای اعتمادسازی بیشتر در جهت تجهیز سریع‌تر و سهل‌تر منابع بانکی به کار می‌رود و عدم شفافیت ممکن است باعث شکست حاکمیت شرکتی از لحاظ کنترل داخلی شرکت شود و به ورشکستگی بینجامد. پس شفافیت مربوط به حق اطلاع ذینفعان، جایگاه خاصی در بحث حاکمیت شرکتی دارد؛ این شفافیت در بحث حاکمیت شرکتی اجباری است و در توصیه‌های مجموعه مقررات مدیریت ریسک مالی هم آمده است. همه این موارد امروزه در بانک‌ها در قالب

^۱ : Basel Committee on Banking Supervision, (BCBS)

کدهای اخلاقی پیش‌بینی شده است (جعفری، ۱۳۹۲) که به نوعی نشان دهنده برتری هر چه بیشتر حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری و مؤسسات مالی و اعتباری به‌خصوص بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف است.

مرزبندی و تفاوت بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف

اصلی‌ترین تفاوت بین بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف در این است که در بانکداری متعارف تمام و یا اکثریت عقود در عرصه تجهیز و تخصیص منابع و خدمات بانکی، مبتنی بر قرض همراه با مازاد سامان می‌آید، اما در بانکداری اسلامی، با توجه به تحریم ربا، باید عقود شرعی دیگر جایگزین این روش گردد (دیواندری و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارتی ممنوعیت ربا و محدودیت سفته بازی در چارچوب احکام و قوانین شریعت را میتوان اصلی‌ترین مسئله در نظام بانکداری اسلامی که آن را از دیگر نظام‌های بانکی متمایز می‌کند دانست همین مسئله سبب شده تا کمتر شاهد بحرآن‌هایی که نظام اقتصاد متعارف به صورت فزاینده با آن رو به رو است باشیم (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

هم‌چنین تفاوت‌های اصلی و جوهری بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف را در سه محور ذیل می‌توان بیان کرد (مظلوم، ۱۳۹۲):

۱- تأکید بر قراردادهای اقتصاد واقعی

بانکداری اسلامی با حذف قرارداد قرض با بهره در بخش اعطای تسهیلات به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهای واقعی اقتصاد استفاده می‌کند. به این معنا که برای تأمین مالی خانوارها و نیازهای کوتاه مدت و مقطعی و موردی بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهایی چون فروش اقساطی (مرابحه)، اجاره به شرط تملیک و جعاله استفاده می‌کند. در این قراردادها ابتدا در اقتصاد واقعی کالا یا خدمتی تولید می‌شود، سپس بانک با تهیه نقدی آن کالا یا خدمت، آن را به صورت مدت‌دار به مشتری واگذار می‌کند. در نتیجه چنین قراردادهای اعتباری به هیچ وجه نمی‌توانند از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند بلکه همیشه در چهارچوب اقتصاد واقعی خواهند بود. در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلند مدت نیز بانکداری اسلامی به جای قرض با بهره از قراردادهای مشارکتی استفاده کرده و با کارآفرینان اقتصادی در طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی مشارکت می‌کنند، روشن است که در این بخش نیز معاملات اعتباری بانک‌ها در چهارچوب اقتصاد واقعی خواهد بود و پدیده رشد حساب‌وار اعتبارات شکل نمی‌گیرد.

۲- استفاده از سود به جای بهره

به اعتقاد همه صاحب نظران اقتصادی، نرخ بهره اسمی و قراردادی برفرض هم در بلند مدت، تابعی از نرخ بهره واقعی باشد در کوتاه مدت و در قراردادهای بانکی بیشتر از بازار پول مشتق شده و متأثر از عوامل پولی است، در نتیجه نرخ بهره بانکی به عنوان متغیری برون‌زا در بازار پول شکل می‌گیرد و بر اقتصاد واقعی تحمیل می‌شود. این در حالی است که بانکداری اسلامی با حذف بهره، در اعطای تسهیلات بانکی از متغیر سود قراردادهای واقعی که از بازارهای کالاها و خدمات و بازار سرمایه مشتق می‌شود استفاده می‌کند.

۳- نظارت بر مصرف اعتبارات بانکی

یک بانکدار اسلامی برای احراز صحت قراردادها بایستی افزون بر احراز هویت مشتری و توانایی او در ایفای قرارداد، باید موضوع قرارداد را نیز احراز کند، کما اینکه به عنوان وکیل سپرده‌گذاران بایستی نسبت به توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی را که تأمین مالی می‌کند اطمینان حاصل کند و لازمه نظارت بر مصرف اعتبارات بانکی نظارت مؤثر بانک‌ها بر فعالیت‌های طرف قرارداد است. این نظارت و کنترل گرچه هزینه‌های غیر قابل انکاری را بر بانک تحمیل می‌کند اما در مقابل، از گرفتار شدن بانک در طرح‌ها و پروژه‌های احساسی و غیر کارشناسی جلوگیری می‌کند و به تبع آن کمک مهمی بر کل اقتصاد می‌کند.

نقش و جایگاه حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی

در نظام بانکداری متعارف سپرده‌گذاران با سپردن وجوه خود به بانک‌ها در سررسیدهای مقرر به آنان مراجعه کرده و بهره وجوه خود را دریافت می‌کنند. گر چه نگرانی سپرده‌گذاران در بانکداری متعارف مبنی بر ورشکستگی بانک‌ها و عدم امکان

آنان برای بازپرداخت وجوه به قوت خود باقی است، اما در این نظام سپرده‌گذاران می‌توانند با تعبیه بازوهای حمایتی مانند بیمه این عدم اطمینان را تا حدی کاهش دهند.

این در حالی است که نیاز به تأمین سازوکاری برای کاهش هزینه‌های احتمالی سوء استفاده از اطلاعات نامتقارن در بانکداری اسلامی مورد توجه می‌باشد؛ چرا که یکی از مهم‌ترین بخش‌های بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی است و در این عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها بطور قابل توجهی از اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار می‌باشند. از این رو برای آنکه سپرده‌گذاران نظام مشارکتی در فضایی که عدم تقارن اطلاعات وجود داشته و سودهای انتظاری نامعین بوده و از پیش تعیین شده نیستند، از اطمینان خاطر مناسبی برخوردار باشند لزوم برپایی حاکمیت شرکتی برای ایجاد چنین فضایی بطور ملموسی احساس می‌شود؛ بنابراین بدیهی است که بین حاکمیت شرکتی اسلامی و غیراسلامی تفاوت‌هایی نیز وجود دارد (قلیچ، ۱۳۹۵).

بانکداری اسلامی که از مهم‌ترین اهداف آن، حفظ اصول شریعت اسلامی است با چالش‌های توسعه بین‌المللی نیز مواجه است. در عین حال مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری عمدتاً مربوط به نظام بانکداری متعارف و مرسوم (غیراسلامی) است. با وجود رشد سریع بانک‌های اسلامی از اواسط دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آن‌ها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است اما تحلیلگران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری اسلامی با الگوی شریعت اسلامی برآمده اند (گارنال، ۲۰۰۵). در بانکداری اسلامی به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره، مدل‌های مورد استفاده در بانکداری مرسوم کارایی ندارد و لزوم حفاظت از منابع ذینفعان کاملاً احساس می‌شود. ایجاد استاندارد‌ها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمام ذینفعان شود باعث کاهش هزینه می‌شود و موضوع هزینه‌ها خود یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی است. تشدید تعارض منابع منجر به بروز مشکلات بسیاری می‌شود و این در حالی است که در بانکداری مرسوم، تعارض منافع معمولاً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می‌شود؛ اما در بانکداری اسلامی بعد مدتی دیگر بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهامداران و مالکان است بنابراین باید به دنبال راه حل مطلوبی جهت تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری اسلامی بود تا ضمن حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران بتوان بانکداری بدون ربا را نیز دنبال کرد (روشندل، ۱۳۸۷).

لذا می‌توان عوامل محرک تأمین و اصول حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی را شامل موارد ذیل دانست (عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳):

۱. رقابت‌پذیری

سپرده‌گذاران نسبت به تغییرات بازار بسیار حساس هستند و با توجه به شرایط بازار تصمیم‌های خود را اخذ کرده و جهت فعالیت‌های خود را تنظیم می‌نمایند. با توجه به فضای رقابتی در بازار بانکی، بانک در پی جذب حداکثری مشتریان خود هستند و خود را مجبور می‌نمایند که از دیگر رقبای خود جا نمانده و با ارائه بهترین عملکردها نگاه و انتخاب مشتریان را به سمت و سوی خودشان معطوف بدارند. البته این مورد مختص بانکداری اسلامی نیست بلکه برای همه نظام‌های بانکی صادق است. از جمله شاخص‌هایی که در بازار مورد توجه مشتریان است ارائه خدمات بهتر از حیث تنوع، کیفیت، کمیت و در دسترس بودن می‌باشد. همچنین ارائه سود متناسب با سود انتظاری مشتریان دیگر موردی است که بانک‌ها بر سر آن با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. مورد دیگر مطابقت فعالیت‌های بانکی با عرف و فرهنگ مشتریان است. به عنوان مثال در یک جامعه اسلامی بانک‌ها با یکدیگر در تأمین و تضمین اجرای مقررات شرعی و موازین شریعت در رقابت هستند. از این رو مشاهده می‌شود که شرایط رقابتی بازار در فعالیت بانک‌ها اثرگذار بوده و قدرت رقبا یا ضعف آنان میزان تلاش و نوع استراتژی‌های بانک‌ها را برای بقا و کسب درآمد در بازار تعیین می‌کند.

۲. قوانین و مقررات بانکداری اسلامی

قوانین؛ اثرگذاری شدیدی بر عملکرد بانکها دارند. قوانین با جهت دهی های خود، مسیر و میزان فعالیت های بانکی را تحت تأثیر قرار داده و بر منافع ذینفعان اثرگذاری می نمایند. قوانین نظارتی و بازرسی از جمله مهم ترین قوانینی هستند که تضمین کننده ایفای حقوق ذینفعان بشمار می آیند؛ اگر این دسته از قوانین از ضعف و نواقص زیادی برخوردار باشند، احتمال تضییع حقوق ذینفعان بالا می رود. از سوی دیگر وجود و اجرای قوانین دقیق نظارتی و بازرسی منجر به آن می شود که مدیران بانکها در قبال سهامداران، سپرده گذاران و مشتریان با دقت و ملاحظه بیشتری فعالیت کرده و از این رو منافع گسترده تری را برای تمامی ذینفعان به بار آورد؛ بنابراین حاکمیت شرکتی سعی دارد بیشتر وارد مسائل حقوق نرم مانند پیشگیری از طریق ضوابط اخلاقی، رفتاری و حرفه ای کسب و کار شود یا از دیگر ابزارهای کنترلی استفاده نماید. در این بین، حاکمیت شرکتی زمانی وارد حقوق سخت می شود که حضورش اجتناب ناپذیر باشد؛ مانند زمانی که جرمی همچون استفاده نابجا از اموال بانک یا کلاهبرداری اتفاق می افتد؛ در اینجا دخالت قانون در قالب حقوق سخت ضرورت می یابد. تأکید اصول و قوانین بانکداری اسلامی بر رعایت حقوق ذینفعان تحت عناوین همچون حرمت ربا، نفی غرر، نفی ضرر و ضرار، نفی اکل مال بباطل، حرمت قمار و همچنین تأکید بر لزوم بازرسی و نظارت بر حسن انجام امور، یکی از مهم ترین محرک های تأمین حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی است.

۳. الزامات اخلاق فردی

از آنجا که همواره در فعالیت های اقتصادی روش های پنهانی زیادی برای محروم کردن سهامداران و سپرده گذاران از حقوق خود وجود دارد و همیشه می توان با وجود قوانین نظارتی و بازرسی های مستمر اقداماتی دور از چشمان ناظران و بازرسان انجام داد و به نوعی دست به حساب سازی و تفسیر قانون زد، فضای اخلاقی و الزاماتی که هر فرد خود را اخلاقاً مکلف به آن می کند می تواند به نوعی ضمانت گر تأمین حقوق دیگر ذینفعان باشد. اگر شرایط به نحوی باشد که فرد خطا کار شناسایی نشود و مورد تنبیه و جریمه واقع نشود و این جریمه گزنده و اثر بخش نباشد و نیز فرد فداکار و متعهد به جمع نیز شناسایی نشود و مورد تشویق قرار نگیرد، چه چیزی جزای الزامات اخلاقی می تواند این فرد را به عملکردی صحیح و اجتناب از تضییع حقوق دیگران واقع نماید؟ وجود ویژگی هایی چون عدالت خواهی، خیر خواهی، امانت داری، صداقت، جوانمردی، ایثار، احترام متقابل به هم از جمله ویژگی های اخلاقی است که به کرات در نظام اسلامی به همه افراد جامعه توصیه شده است. این ویژگی ها در عملکرد افراد اثرگذار بوده و در سطح کلان با ایفای حقوق ذینفعان و بستر سازی جهت تحقق حاکمیت شرکتی، مزایا و منافع اقتصادی را تضمین می گرداند. به بیان دیگر عامل محرک و انگیزش اخلاقیات موجب پدید آمدن یک میل و رغبت درونی در افراد جهت ایفای تعهدات و تکالیف مقرر در قراردادهای می شود. بدیهی است وجود چنین عامل محرکی در مقایسه با فقدان آن، اثر بخشی حاکمیت شرکتی را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

۴. شرایط محیطی جامعه

شرایط محیطی اجتماع اگر به صورتی باشد که افرادی که از اصول اخلاقی تعدی می نمایند توسط جامعه طرد شوند، این باعث می شود که افراد به سمتی هدایت شوند که بر رفتارهای خود مراقبت نموده و از نامتقارن بودن اطلاعات سوء استفاده نکرده و به تضییع حقوق یکدیگر اقدام ننمایند. از سوی دیگر اگر محیط اجتماعی - سیاسی جامعه ای بگونه ای باشد که تخلف و تقلب و پایمال سازی حقوق یکدیگر به یک عرف عمومی تبدیل شده باشد و یا آنکه لاقلاً از سوی جامعه نسبت به اینگونه رفتارها عکس العمل بازدارنده ای صورت نپذیرد، احتمال تخلف هر یک از ذینفعان نظام بانکی به منظور سوء استفاده از فرصت های پیش رو افزایش می یابد. در بعد کوچکتر، کارکنان بانک می توانند از طریق بازتاب مسائل غیرقانونی و تخلفاتی که مشاهده می کنند به مراجع بالاتر و ابراز عکس العمل نسبت به این مسائل، به جای چشم پوشی بر آنان، به ایجاد محیطی آماده برای اجرای بهتر حاکمیت شرکتی کمک برسانند. در نظام اسلامی با تعبیه ساختاری به نام امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه اجتماعی، تک تک افراد جامعه را نسبت به ابراز واکنش در برابر ناهنجاری ها و تخلفات مسئول و مکلف دانسته است. فراگیر شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه فضا را به سمتی می برد که کلیه افراد از تعدی به حقوق

دیگران منع شوند و سطح نظارت عمومی و به دنبال آن، سطح اعتماد عمومی در جامعه افزایش یابد. رعایت این امر مهم در نظام بانکی در قالب مفهومی همچون بانکداری اخلاقی نمود می یابد. این نوع بانکداری با رویکرد اسلامی تمامی ذینفعان و فعالان نظام بانکی را به نظارت همگانی و اطلاع مقامات بالاتر از وقوع تخلف در مجموعه سازمانی ترغیب می نماید.

حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران

نظام بانکداری ایران در شرایطی فعالیت خود در بازار مالی را پس از سالها سپری می نماید که براساس شاخص های مختلف اقتصادی و مالی و با وجود تلاش هایی مستمر سیاست گذاران دچار ناکارایی محسوسی می باشد، مواجهه با حجم قابل توجه تسهیلات اعطایی غیرجاری، درگیر شدن بانکها در امر بنگاه داری، سهم قابل توجه دارایی های سمی (دارایی های با نقد شوندگی پایین همچون مطالبات معوق، املاک تملیکی و ...) در ارقام ترازنامه بانکها، ناچیز بودن نسبت کیفیت سرمایه، پایین بودن درجه شفافیت نظام بانکی و عدم تأمین منافع واقعی سپرده گذاران، بخشی از مجموعه ناکارآمدی های نظام بانکی ایران می باشد. در این بین، با قانون هشتم شهریور ۱۳۶۲ ساختار بانکداری ایران رسماً تبدیل به بانکداری بدون ربا شد و در سالهای اخیر در بانک مرکزی کشور نیز مطالعات بسیاری در خصوص حاکمیت شرکتی صورت پذیرفته است که در برخی از موارد بخش های از اصول حاکمیت شرکتی به نظام بانکی کشور به صورت بخشنامه و دستور العمل هایی ابلاغ شده که می توان از ابلاغ مجموعه رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری در سال ۱۳۸۶ نام برد که در آن بر ایجاد دو رکن حسابرسی و مدیریت ریسک تأکید شده است. هم چنین در سال ۱۳۸۷ گزارش راهکارهای بومی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران منتشر گردیده است. در سال ۱۳۹۵ پیش نویس دستورالعمل حداقل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی توسط بانک مرکزی تهیه شده که این پیش نویس در راستای پاسخگویی به یکی از مهم ترین چالش های نظام بانکی در ایران یعنی چالش ها و خلاء های قانونی در خصوص استقرار حاکمیت شرکتی در بانکهاست؛ بنابراین می توان بیان نمود که علی رغم اهمیت بسیار زیاد استقرار حاکمیت شرکتی در کشور و رفع مشکلات زیرساختی در بانکها و هم چنین توجه به این مقوله در نظام بانکداری دنیا، مقوله حاکمیت شرکتی با اهدافی همچون اصلاح قواعد درون سازمانی بانکها، توجه به حقوق ذینفعان و افشا و شفافیت جایگاه لازم و مناسبی را در بین قوانین و مقررات کشور ندارد و همچنین نگاهی به وضعیت نظام بانکی و عملکردهای بانکهای کشور حاکی از آن است که قواعد، مکانیسم ها و اصول حاکمیت شرکتی در جهت تحقق اهداف ذکر شده، رضایت بخش و مطلوب نیست. دلیل اثبات این ادعا نیز وجود مشکلات عدیده در حوزه های متعدد مربوط به حاکمیت شرکت هم چون عدم شفافیت، کارایی عملکرد پایین بانکها، تخصیص غیرکارایی منابع، نبود مدیریت ریسک کارآمد، حسابرسی غیراثربخش، انتصابات غیرتخصصی در بین مدیران بانکی، عدم تأمین حقوق سپرده گذاران و سایر ذینفعان است که برآمده از مشکلات و خلاء های مطرح شده می باشد (شهبازی و ترابی فر، ۱۳۹۵). به بیانی، هر چند حاکمیت شرکتی در جهت هدایت و کنترل ریسک کاربرد دارد اما منابع مدیریت ریسک هم از طریق حقوق - قانون می تواند هدایت شود و هم از طریق دیگر منابع مقرراتی - تنظیماتی. آنچه از قانون مطرح می شود، مجموعه اقدام ها، ترتیب ها و ابزارهای حقوقی است که این اجازه را به نظم حقوقی می دهد که از ریسک جلوگیری کند. هم چنین در بانکهای ایرانی، چه خصوصی و چه دولتی نیز، به طور مجزا کدهای کسب و کار و کدهای رفتاری در جهت پیشگیری و مدیریت انواع ریسک تدوین شده است و هر بانکی با توجه به تجربه و تخصص گروه تدوین کننده مسائلی را پیش بینی کرده است. از نظر قوانین نیز، مفهوم حاکمیت در حقوق تجارت ایران، نوین است ولی ابزار و راهکارهای آن همیشه وجود داشته است (جعفری، ۱۳۹۲).

راهبردها و رویکردهای پیاده سازی حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی

حاکمیت شرکتی از طریق روش ها و ابزارها و راهکارها و راهبردهای متعددی می تواند پیاده سازی گردد ولی در نظام بانکداری اسلامی چندین راهکار اساسی برای پیاده سازی آن وجود دارد که در ذیل به مهم ترین آن ها اشاره می گردد:

۱- نظارت

یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی که در اقتصاد متعارف نیز جریان دارد و می‌تواند برای بانکداری اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد، مقوله نظارت است. جهت ایجاد اطمینان از عملکردها و فعالیت‌ها به چهار شیوه مهم نظارتی نیاز است:

الف: اعمال نظارت توسط هیئت مدیره و یا هیئت نظارت؛

ب: اعمال نظارت توسط افرادی که نقشی در اداره روزانه فعالیت‌ها ندارند.

ج: نظارت مستقیم توسط واحد‌های کاری

د: نظارت توسط حوزه‌های مستقل نظارتی چون حسابرسی و مدیریت ریسک

یکی از راهکارها جهت تقویت نظارت هیئت مدیره آن است که نماینده‌ای از طرف سپرده‌گذاران در بین اعضای هیئت مدیره قرار بگیرد. در صورت عدم استقبال و پذیرش این روش از سوی بانک‌ها می‌توان از تشکیل انجمن سپرده‌گذاران و یا از تشکیل یک موسسه تخصصی خصوصی که همانند حسابرسان خارجی از منافع سپرده‌گذاران حمایت می‌نمایند، استفاده نمود. البته موفقیت این انجمن‌ها و مؤسسات منوط به شفافیت نظام بانکی و امکان نظارت دادن به نهادهای حافظ منافع سپرده‌گذاران است. در نظام بانکداری اسلامی نظارت و بازرسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این ساختار افزون بر شیوه‌های نظارتی فوق، یک شیوه دیگر نظارتی وجود دارد و آن اینکه بایستی توسط کمیته‌ای بر رعایت موازین شرعی در فعالیت‌ها و ابزارهای بانکی نظارت دقیق و مستمری صورت گیرد. چرا که آنچه ممیزه شاخص بین بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف است، بحث اجازه شرعی ابزارها و فعالیت‌های بکار گرفته‌شده از سوی بانک‌ها می‌باشد. برای تحقق این مطلوب در بانکداری اسلامی برداشتن دو قدم الزامی است. قدم اول اخذ جواز مشروعیت ابزارها و فعالیت‌های بکار گرفته‌شده است و قدم دوم مراقبت بر تطابق ابزارها و فعالیت‌های بانکی با آنچه جواز شرعی آن صادر شده است. برای قدم اول شورای نگهبان و یا کمیته فقهی و شرعی می‌تواند با بررسی و سنجش فقهی ابزارها و فعالیت‌ها، مشروعیت و یا عدم مشروعیت آنان را اعلام نمایند؛ اما این نهادها، ابزار نظارتی خاصی برای کنترل و مراقبت بر فعالیت‌های اجرایی به‌منظور هماهنگی با فتاوی بودن آنان ندارد. از این رو برای نظارت بر حسن اجرای موازین شرعی می‌توان دو اقدام را انجام داد. اول آنکه در کنار هیئت نظارت بر فعالیت‌های بانک در انطباق با قوانین بانکداری و نیز هیئت بازرسان و حسابرسان داخلی، هیئت سومی به نام هیئت نظارت شرعی به وجود بیاید که البته به علت افزایش تعداد قوای نظارتی از کارایی بانک‌ها در تعدد مراجعات کاسته خواهد شد. اقدام دوم این است که به جای ایجاد هیئت مستقل نظارتی، مؤسسات حسابرسی فعلی را به علوم و موازین شریعت مجهز نموده تا در ضمن حسابرسی‌های امور بر متابعت فعالیت‌های بانکی با اصول شرعی نیز نظارت شود. بدیهی است این نظارت بایستی از سوی شورا و یا گروهی صورت پذیرد که علاوه بر داشتن تخصص و دانش در حوزه مسائل فقهی و شرعی، از اصول و علوم مربوط به بانکداری نوین نیز اطلاعات مکفی‌ای داشته باشند (قلیچ، ۱۳۹۵).

۲- مدیریت ریسک

فعالیت‌های بانکی به طور طبیعی در ذات خود با ریسک‌های متفاوتی همراه هستند. حال اگر بانک‌ها در کشوری خاص و یا از طریق سازوکارهای پیچیده چون سازوکارهایی با مقاصد خاص یا به واسطه تراست‌های شرکتی به جهت نیل به اهداف تجاری دست به عملیات اقتصادی بزنند، مسلماً بر حجم ریسک‌های بانکی افزوده خواهد شد. از مهم‌ترین ریسک‌های بانکی ریسک اعتباری است. این ریسک به ناتوانی وام‌گیرندگان در بازپرداخت بدهی‌هایشان به بانک اشاره دارد. با توجه به اینکه بانک‌های اسلامی به علت حرمت ربای جاهلی و جریمه تاخیر متضمن این ربا، نمی‌توانند دیون به تعویق افتاده را بر مبنای نرخ بالاتر بازسازی نمایند، ترتیب سازوکاری که بتواند این ریسک را تحت کنترل خود درآورد در این نظام بیشتر وضوح می‌یابد و حاکمیت شرکتی می‌تواند با برقراری الزاماتی از خطرات این ریسک بکاهد. یکی از اقدامات آن است که با توجه به سوابق و کارنامه تسهیلاتی افراد به آنان وام پرداخت شود. در این حالت باید به سابقه بازپرداخت فرد و سنجش ظرفیت بازپرداخت آتی وی توجه شود. برای این کار می‌توان یک نظام رتبه‌بندی ریسک داخلی توسط هیئت مدیره ایجاد کرد و یا آنکه یک نظام ارزیابی مستقل از هیئت مدیره برای این کار به وجود بیاید. با ایجاد چنین نظامی میزان ریسک‌های اعتباری ارزیابی، اندازه و

کنترل می‌شود. قدم بعدی پیش‌بینی و تخمین وضعیت آینده و حرکت براساس آن است. این حدود حداکثر مقدار قبول ریسک در ابعاد مختلف را برای بانک‌ها مشخص می‌کند که بانک‌ها لازم است آن را رعایت کرده و آن را زیر پای نگذارند. ریسک دیگر که بانک با آن مواجه است، ریسک نقدینگی است. این ریسک اشاره به هنگامی دارد که بر اثر حادثه ای غیرمترقبه کاهش محسوس در خالص جریان وجوه بانک به وجود آمده و بانک در ایفای تعهداتش نسبت به مشتریان با مشکل مواجه شود. دسته دیگر از ریسک‌هایی که در نظام بانکی وجود دارد ریسک‌های عملیاتی است. این ریسک‌ها یا به عنوان عملیاتی نامگذاری می‌شوند و یا مانند تعاریف کمیته بال در نظارت بر بانکداری زیرمجموعه دیگر ریسک‌ها جای می‌گیرد (بال، ۲۰۰۱).

۳- شفافیت

بانک جهانی در خصوص نقش حاکمیت شرکتی فعالیت‌های گسترده ای انجام داده است. در کنار تعهد به حاکمیت شرکتی، نقش آفرینی و عملکرد هئیت مدیره، محیط کنترلی مدیریت، روابط سهامداران و سایر ذینفعان، موضوع افشا و شفافیت از جمله موارد مهم مورد اشاره این بانک است. شفافیت در منظر کمیته بال عنصر کلیدی یک نظام بانکداری صحیح و سالم و نظارت شده می‌باشد. بنابر تعریف این کمیته ارائه اطلاعات بایستی دقیق، زمان دار و منطبق با تعاریف باشد. این کمیته برای ارائه این چنین اطلاعاتی، شفافیت در برخی محورها را لازم بر می‌شمارد که از جمله آن می‌توان به چند نمونه ذیل اشاره نمود:

- ۱- عملکرد مالی مانند درآمدها و مخارج بانک، امکانات بالقوه و غیره؛
 - ۲- موقعیت مالی مانند میزان سرمایه بانک، توانایی بانک در پرداخت دیون، حجم نقدینگی و غیره؛
 - ۳- راهبردهای مدیریت و کنترل ریسک مانند بکارگیری ابزارهای کاهش دهنده ریسک مثل توافقات تسویه، محافظت بر حدود اعتبارات، استفاده از ابزارها و مشتقات مالی و غیره؛
 - ۴- منابع در معرض ریسک مانند ریسک‌های بازار، ریسک‌های اعتباری، ریسک‌های نرخ بهره، ریسک‌های قانونی و عملیاتی و غیره؛
 - ۵- سیاست‌های حسابداری مانند تشریح اصول ونحوه فعالیت‌های حسابداری، سیاست‌های تشخیص میزان زیان وارده به سرمایه‌ها و درآمدها، ارزش گذاری و ارزیابی بدهی‌ها و دارایی‌ها، معاملات ارزی، مالیات بر درآمد و غیره؛
 - ۶- مدیریت کسب و کار و حاکمیت شرکتی مانند ساختار و اسلوب سازمانی بانک، تخصص و سنوات اعضای هئیت مدیره و مدیریت ارشد بانک، ساختار نظام انگیزشی و غیره.
- در نظام اسلامی پنهان کاری به قصد فریب طرف مقابل و یا پوشاندن نقص‌هایی که موجب وارد شدن زیان به شرکا شده است به هیچ عنوان پذیرفته نیست. از این رو ایجاد شفافیت در موارد فوق را می‌توان برای نظام بانکداری اسلامی توصیه شده دانست (عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

نظام حاکمیت شرکتی در واقع واکنشی به مسئله نمایندگی است که از جدایی کنترل از مالکیت ناشی می‌شود. در پی ارائه تئوری نمایندگی، روابط نمایندگی به صورت گسترده‌تری موضوعات مختلف ادبیات مالی را تحت تأثیر قرار داد و به تدریج و به خصوص با پدیدار شدن رسوایی‌های مالی و ورشکستگی‌های شرکت‌ها و سوء استفاده‌ها و فسادهای مالی که در اواخر قرن بیستم رخ داد، بحث نظام حاکمیت شرکت‌ها و سوء استفاده‌ها و فسادهای مالی که در اواخر قرن بیستم رخ داد، بحث نظام حاکمیت شرکت‌ها نیز توجه بیشتری را به خود معطوف کرد. وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در قبال ترتیب سازوکاری که از کلیه حقوق ذینفعان این حوزه دفاع نماید؛ بسیار سنگین است. حاکمیت شرکتی با برقراری طیف گسترده ای از قوانین، استانداردها و قیود سعی می‌نماید مجاری تضییع حقوق را بسته و با هدایت و کنترل عملکردهای بانکی، تأمین منافع کلیه ذینفعان را تضمین کرده و نوعی فضای اطمینان خاطر را برای همگان فراهم آورد؛ به عبارت دیگر، از آنجا که حاکمیت شرکتی سازوکاری برای هدایت فعالین‌های موسسه مدنظر در راستای اهداف از پیش تعیین شده و به نوعی حفاظت از حقوق ذینفعان است؛ توانسته است در نظام بانکی اثرات خوشی از خود برجای گذارده و به بهبود چشمگیر وضعیت در بانک‌های

کشورهای مختلف منجر شود. در این بین، نظام بانکی ایران به عنوان یکی از بزرگ ترین نظام‌های بانکی اسلامی یا بدون ربا برای رقابت با دیگر بانک‌ها و برای سودده بودن باید به روز باشد. در این زمینه اصول حاکمیت شرکتی به عنوان ابزار مدرن کنترلی و مدیریتی باید در بانک‌های ایرانی مستقر شود؛ بنابراین جا دارد که هماهنگی برای پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌ها صورت گیرد. این مسئله باید در دو سطح قانونگذاری و اجرایی در بانک‌ها صورت پذیرد و با اینکه در این حوزه موفقیت آمیز نبوده ولی لزوم توجه به این امر مهم را می‌طلبد. لذا در پاسخ به مسئله اصلی این تحقیق (اصول حاکمیت شرکتی و روش‌های پیاده‌سازی آن در نظام بانکداری اسلامی) می‌توان بیان داشت که بانکداری اسلامی ظرفیت بالایی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی دارد. این نظام با دارا بودن محرک‌ها و اصولی همچون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری، الزام افراد به رعایت اخلاق فردی و شرایط اخلاق مدارانه محیط اجتماعی-سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند بستر ساز مناسبی برای تحقق حاکمیت شرکتی در نظام بانکی باشد. علاوه بر این استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران علاوه بر پیچیدگی‌های ذاتی و تفاوت‌های بنیادین بانک‌ها در قیاس با حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها از جمله تعدد بیشتر ذینفعان بانک‌ها، پیچیدگی بیشتر ترکیب بدهی مندرج در ارقام تراز نامه، گستردگی وسعت عملیات مدل‌های متفاوت و پیچیدگی بیشتر تابع تولید نقدینگی در بانک‌ها که ناشی از عدم تطابق میان بازه زمان سررسید ارقام دو طرف ترازنامه بانک‌ها است از ویژگی‌ها و ملاحظات خاصی برخوردار است، از این رو پیشنهاد می‌شود که با کمک عوامل محرک تأمین حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی و به ویژه در بانک‌های عامل ایران در حوزه توجه به اصول بانکداری اسلامی یا غیر ربوی جهت استفاده مفید از ابزارها و روش‌های این نظام در پیاده‌سازی این نوع حاکمیت همچون نظارت، مدیریت ریسک و اعمال شفافیت برنامه ریزی دقیق و هدفمندی صورت گیرد. علاوه بر این لازم به ذکر است که از تفاوت‌های اساسی دیگر نظام بانکی ایران که می‌بایست در زمینه حاکمیت شرکتی در نظر گرفت، ماهیت اسلامی این نظام بانکی و غیرربوی بودن و ضرورت توجه به رابطه میان ذینفعان بانکی در زمینه استقرار حاکمیت شرکتی است. هم‌چنین با عنایت به مطالب بیان شده و با توجه به اصول و قواعد حاکمیت شرکتی و روش‌های پیاده‌سازی آن در بانکداری اسلامی پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ❖ تقویت رقابت‌پذیری بین بانکی در راستای اقدام عملی برای محرک سازی تأمین حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری غیر ربوی کشور؛
- ❖ تلاش در جهت شفافیت همه‌جانبه اصول و مقررات امور مالی و بانکی کشور در راستای پیاده‌سازی هر چه بهتر اصول حاکمیت شرکتی و ممانعت از ترس افشای اطلاعات با لحاظ رویکردهای حفاظتی؛
- ❖ تلاش در جهت ارتقاء نظارت بانکی برای برقراری حاکمیت شرکتی خوب در بانک‌ها و امکان مداخله بانک مرکزی در تدوین مقررات مرتبط با حاکمیت شرکتی مناسب در اداره بانک‌ها؛
- ❖ اصلاح و بازسازی ساختار درونی بانک‌ها در راستای مقابله با ریسک‌های بانکی از طریق اعمال اصول و قواعد حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی و اتخاذ رویکردهای تکلیف محور؛
- ❖ تأکید ویژه بر تدوین الزامات اخلاق فردی در سیستم بانکداری اسلامی در راستای پاسخ‌گویی به خلاءهای موجود در این حیطه بانکداری کشور؛
- ❖ تلاش در جهت هموار نمودن شرایط محیطی - اجتماعی جامعه در جهت ایجاد محیطی آماده برای اجرای بهتر حاکمیت شرکتی به ویژه در راستای پیاده‌سازی هر چه بهتر بانکداری اسلامی؛
- ❖ تلاش در جهت تقویت نهادهای نظارتی برای شفافیت هر چه بیشتر نظام بانکداری غیرربوی در سیستم بانکی کشور؛
- ❖ تدوین و اصلاح قوانین و مقررات مالی کشور در راستای شفافیت و پاسخگویی به نیازمندی‌های بروز مقرراتی کشور در راستای نیل به پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌ها؛

۱. اصلانی، عظیم، "حاکمیت شرکتی و روش‌های تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، آینده پژوهشی مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دوره ۱۹، شماره ۳، ۱۳۸۵.
۲. امیرآزاد، میرحافظ، زینالی، مهدی و رضا شاهی، "بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر گزینش اظهارنظر حسابرس"، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۷، ۱۳۹۳.
۳. پورزمانی، زهرا، "رابطه حاکمیت شرکتی و پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها"، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، ۱۳۸۵.
۴. تقوی، مهدی، احمدیان، اعظم و مهران کیانوند، "تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای درحال توسعه با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها"، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شماره نوزدهم، ۱۳۹۲.
۵. جعفری، امین، "حاکمیت شرکتی در بانک‌ها از منظر حقوق ایران"، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۲.
۶. جلالی، فاطمه، "حاکمیت شرکتی و حرفه حسابداری"، نشریه حسابداری، شماره ۱۹۶، ۱۳۸۷.
۷. حساس یگانه، یحیی، "حاکمیت شرکتی در ایران"، حسابرس، شماره سی و دو، ۱۳۸۵.
۸. حساس یگانه، یحیی، مفاهیم حاکمیت شرکتی، نشریه حسابداری، شماره ۱۶۷، ۱۳۸۴.
۹. دیواندری، علی، تقی نتاج، غلامحسین، فقیه، هادی و حمیدرضا نجف پور کردی، "ارائه مدل استقرار بانکداری بدون ربا در بانکهای ایران"، بیست و هشتمین همایش بانکداری اسلامی.
۱۰. رجبی، رضا، "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر هزینه سرمایه شرکت"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۵.
۱۱. روشندل، محمد، "راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران"، گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
۱۲. سیف، ولی اله، "حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات"، فصلنامه روند، سال بیست و یکم، شماره ۶۸، صص ۵۴-۱۵، ۱۳۹۳.
۱۳. شهبازی، موسی و هادی ترابی فر، "آسیب شناسی نظام بانکی، چالش‌ها و آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران"، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵.
۱۴. عیوضلو، حسین و وهاب قلیچ، "بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی؛ ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری"، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳.
۱۵. فراهانی فرد، سعید، نظرپور، محمدنقی و سارا بایی، "مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی"، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۲(۴۶)، ۱۲۲-۹۳.
۱۶. فرزین‌وش، اسداله، دادگر، یداله، مهر آرا، محسن و ابوالفضل نجارزاده، "نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۸۲، سال بیست و پنجم، صص ۳۰-۲۶۱، ۱۳۹۶.
۱۷. فعلی، مریم، "بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۱۸. قائمی، محمدحسین و مهدی شهریاری، "حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها"، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره اول، ۱۳۸۸.
۱۹. قلیچ، وهاب، "جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی"، فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهاردهم، ۱۳۹۵.
۲۰. فرودسی، فروهر، "پیشگفتاری بر ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تأکید بر آسیب شناسی نظام بانکداری بدون ربا ایران"، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، صص ۵۸-۳۹، ۱۳۹۳.
۲۱. مظلوم، مهشید، "تفاوت بین بانکداری اسلامی و سنتی و دلایل برتری آن"، نشر بانک تک، www.way2pay.ir، ۱۳۹۲.
۲۲. ندری، کامران، قلیچ، وهاب و حسین میسمی، "نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحرآن‌های مالی"، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۳۹۲.
۲۳. یزدانیان، نرگس، "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۱۷، ۱۳۸۶.
24. Al Manaseer, Moousa F. and Riyad Mahmood Al- Dahiyat, "the Impact of Corporate Governance on the Performance of Jordanian Banks", European Journal of Scientific Research, Vol. 67, No. 3, pp. 349-359, 2012.

25. Anderson D. W., and Melanson S. J. and Maly J., “ The Evolution of Corporate Governance: Power Redistribution brings boards to life”, journal of Corporate Governance, Vol. 15(5),PP. 780-797,2007.
26. Andres, Pablo de and Eleuterio Vallelado, “Corporate Governance in Banking: The role of the board of directors”, journal of banking and finance, No. 32, pp. 2570-2580, 2008.
27. Basel Committee on Banking Supervision (Basel: BCBS), “Customer Due Diligence for Banks”, Oct. 2001.
28. Basel Committee on Banking Supervision (Basel: BCBS),”Enhancing Corporate Governance for Banking Organizations”, Sep. 1999.
29. Ermina, papanikolaou and patsi maria, “Corporate Governance and Bank Performance”, International Hellenic university, 2010.
30. Organisation for Economic Co-operation and Development, “OECD Principles of Corporate Governance”, Head of Publications Service, OECD Publications Service, 2004.
31. Solomon,. J, "Corporate Governance and Accountability", 3rd Edition, John Wiley & Sons Ltd Publication, UK, 2010.
32. Walker,. R, "A Review of Corporate Governance in UK Banks and other Financial Industry Entities", The Walker Review Secretariat, London. 16 Jul, 2009.